

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده‌ی ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان‌نامه جهت دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان

شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان‌های رضا امیرخانی

(با تکیه بر ارمیا، منِ او، بیوتن)

استاد راهنما

دکتر سهیلا صلاحی مقدم

استاد مشاور

دکتر نسرین فقیه ملک‌مرزبان

دانشجو

مهدیه پرواز

تیرماه ۱۳۸۹

چکیده

شخصیت و شخصیت‌پردازی یکی از عناصر برجسته‌ی داستان محسوب می‌شود؛ تا آن‌جا که حیات داستان بدان وابسته است. در رمان‌های رضا امیرخانی، شخصیت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

این پژوهش تلاش می‌کند این عنصر برجسته را با رویکرد به شخصیت و انواع آن، نمودهای شخصیت، شیوه‌های شخصیت‌پردازی، پروتوتیپ شخصیت‌ها و نقش آن‌ها در طرح داستان، پیوند شخصیت با دیگر عناصر داستانی و ابتکار موجود در رمان‌نویسی امیرخانی، بررسی و تحلیل نماید؛ بدین ترتیب خواننده‌ی این پژوهش با تکنیک‌های شخصیت‌پردازی امیرخانی و تحلیل پیچیدگی شخصیت‌ها در رمان آشنا می‌شود.

تحلیل و بررسی رمان‌های امیرخانی نشان می‌دهد که غالب شخصیت‌های داستانی را مردان تشکیل می‌دهند، اما این گزینش موجب کم‌رنگی نقش و حضور زن‌ها نگردیده است. در سیر داستان‌نویسی امیرخانی زنان به تدریج از نقش‌های قالبی دور و به شخصیت‌های مکمل و منحصر به فرد نزدیک می‌گردند. کودکان نیز حضور متوسطی در رمان دارند و به صورت دوره‌ای از زندگی، بدان‌ها پرداخته می‌شود. در میان انواع شخصیت بیشترین درصد متعلق به شخصیت‌های نوعی است. شخصیت‌های امیرخانی غالباً چندبعدی و پیچیده‌اند. در شیوه‌ی شخصیت‌پردازی نیز، تلاش او بر این است که از نحوه‌ی اطلاع‌رسانی غیرمستقیم و نمایشی به صورت ترکیبی از گفتار و زبان، کنش و تداعی معانی بهره جوید. حضور نویسنده در داستان از ترفندهایی است که در برخی داستان‌های او به باورپذیری آن انجامیده است و در برخی دیگر نوعی هشدار و بازخوانی و تأمل در متن و محتوا را می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: شخصیت، شخصیت‌پردازی، رضا امیرخانی، من‌او، بیوتن، ارمیا

فهرست مطالب

۱	فصل اول: مقدمه.....
۲	مقدمه.....
۳	مروری بر تحقیقات پیشین.....
۵	روش پژوهش.....
۵	پیشنهادات.....
۶	فصل دوم: رمان.....
۷	تعریف رمان.....
۸	علل پیدایش رمان و پیشگامان آن.....
۹	انواع رمان.....
۱۱	عناصر رمان.....
۱۱	رمان و شخصیت.....
۱۲	شناخت نامه‌ی رضا امیرخانی.....
۱۴	مصاحبه نگارنده با رضا امیرخانی.....
۱۹	فصل سوم: کلیات و مفاهیم شخصیت و شخصیت‌پردازی.....
۲۰	تعریف شخصیت.....
۲۱	اهمیت عنصر شخصیت.....
۲۲	رابطه‌ی شخصیت‌های داستان با اشخاص واقعی.....
۲۳	انواع شخصیت.....
۲۳	۱- شخصیت‌های قالبی.....
۲۴	۲- شخصیت‌های قراردادی.....

۲۴	۳- شخصیت‌های نوعی.....
۲۴	۴- شخصیت‌های تمثیلی.....
۲۴	۵- شخصیت‌های نمادین.....
۲۴	۶- شخصیت‌های همه‌جانبه.....
۲۵	جامعیت و تحول شخصیت‌ها.....
۲۷	تعریف شخصیت‌پردازی.....
۲۸	شخصیت در گذر سبک‌های ادبی.....
۳۱	شیوه‌های شخصیت‌پردازی.....
۳۱	۱- شیوه‌ی مستقیم.....
۳۱	۲- شیوه‌ی غیرمستقیم.....
۳۲	تعریف نمود شخصیت.....
۳۳	۱- شاخص جسمی و فیزیکی.....
۳۴	۲- شاخص اعتبارات فردی و اجتماعی.....
۳۷	۳- شاخص فکری و استدلالی.....
۳۸	۴- شاخص روحی و عاطفی.....
۳۹	۵- شاخص حرکتی و رفتاری.....
	تعریف پروتوتیپ.....
	انواع پروتوتیپ.....
	ارتباط شخصیت با عناصر داستانی دیگر.....
	فصل چهارم: شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان من‌او.....
	خلاصه‌رمان.....

.....نمای کلی شخصیت‌ها.

.....انواع شخصیت.

.....جامعیت و تحول.

.....شیوه‌های شخصیت‌پردازی.

.....نمود شخصیت.

.....انواع پروتوتیپ.

.....ارتباط شخصیت با عناصر داستانیِ رمان من‌او.

.....فصل پنجم: شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان بیوتن.

.....خلاصه رمان.

.....نمای کلی شخصیت‌ها.

.....انواع شخصیت.

.....جامعیت و تحول.

.....شیوه‌های شخصیت‌پردازی.

.....نمود شخصیت.

.....انواع پروتوتیپ.

.....ارتباط شخصیت با عناصر داستانیِ رمان بیوتن.

.....فصل ششم: شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان ارمیا.

.....خلاصه رمان.

.....نمای کلی شخصیت‌ها.

.....انواع شخصیت.

.....جامعیت و تحول.

.....	شیوه‌های شخصیت‌پردازی
.....	نمود شخصیت
.....	انواع پروتوتیپ
.....	ارتباط شخصیت با عناصر داستانی رمان ارمیا
.....	فصل هفتم: یافته‌های جدید و نتیجه‌گیری
.....	تحلیل کلی شخصیت‌ها
.....	شخصیت‌های مشابه
.....	نواقص شخصیت‌پردازی
.....	فهرست منابع

فصل اول:

مقدمه

مقدمه

یکی از دلایلی که انسان‌ها از دیرباز داستان می‌خوانده‌اند، این بوده است که داستان واجد عنصر شخصیت است. شخصیت‌ها به طور قطع از عناصر مهم داستان به شمار می‌روند، به طوری که حیات داستان به وجود آن‌ها وابسته است. شخصیت‌های داستانی با رفتار و گفتاری که نویسنده از آن‌ها ارائه می‌دهد، ابعاد درونی و زوایای پنهان خود را در برابر مخاطب به نمایش می‌گذارند؛ بنابراین ما شخصیت‌های داستان را بهتر از دوستانمان یا حتی خودمان می‌شناسیم. این شخصیت‌ها هستند که با کنش و گفتگو داستان را به جلو می‌رانند، ماجرا را خلق می‌کنند، مخاطب را با خود همراه می‌کنند، با برانگیختن احساسات وی، او را به چالش می‌کشاند و در نهایت خواننده را با تفکر خویش تنها می‌گذارند. در واقع با تحلیل شخصیت داستان، بسیاری از مسائل درباره‌ی داستان، زندگی نویسنده‌ی داستان و جامعه‌ای که نویسنده در آن زندگی می‌کند، آشکار می‌گردد.

رضا امیرخانی نویسنده‌ای جوان، خلاق، صاحب‌سبک و درعین حال جسور است که با خلق رمان‌های جالب و تأمل‌برانگیز به وادی ادبیات گام نهاده است. او ساختار، زبان و اندیشه را همگام پیش می‌برد تا دیبایی زیبا به تن داستانش بیوشاند و آن را به خواننده عرضه نماید.

عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان‌های امیرخانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شخصیت‌های داستان‌های او چندبعدی، منحصربه‌فرد و پیچیده هستند. از یک‌سو

درگیری و دغدغهی انسان معاصر را با مفاهیمی کلان چون دین، سنت و دنیای مدرن به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر نگاه او به فرهنگ و تمدن خودی و ایرانی، مخاطب را متوجه گذشته‌ی اسطوره‌ای، عارفانه و عاشقانه و... خود می‌سازد. امیرخانی در پروردن ابعاد گوناگون شخصیت‌هایش غالباً از شیوه‌های نمایشی از طریق کنش، گفتگو و جریان سیال ذهن (تداعی معانی) بهره می‌جوید.

پژوهش حاضر در هفت فصل تنظیم شده است. فصل نخست با عنوان «مقدمه» به اهمیت شخصیت و شخصیت‌پردازی، تحقیقات پیشین، روش پژوهش و پیشنهادات می‌پردازد. فصل دوم در باب رمان، انواع و پیشگامان آن، شناخت‌نامه‌ی رضا امیرخانی نوشته شده و دربرگیرنده‌ی مصاحبه‌ی نگارنده با نویسنده است. در فصل سوم کلیات و مفاهیمی پیرامون شخصیت و انواع آن، نمود شخصیت، پروتوتیپ، روش‌های شخصیت‌پردازی و ارتباط شخصیت با عناصر دیگر داستانی ارائه می‌گردد. فصول چهارم، پنجم و ششم سه فصل تحلیلی و اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهند که به ترتیب شامل رمان‌های من‌او، بیوتن و ارمیا است و درنهایت، نتیجه‌گیری و یافته‌های جدید پژوهش، در فصل پایانی به رشته‌ی تحریر درآمده است.

مروری بر تحقیقات پیشین

جست‌وجوهای بسیار نشان می‌دهد پژوهشی جدی و مستقل در این موضوع انجام نگرفته است؛ اما برخی مقالات و گزارشات و جلسات نقد در باب آثار امیرخانی و پایان‌نامه‌هایی در رابطه با شخصیت‌پردازی در آثار دیگران وجود دارد که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود:

- نقد و بررسی رمان ارمیا، پرویز شیشه‌گران، نشریه حزب‌الله: نویسنده در این نقد، در آغاز خلاصه‌ای از رمان ارائه می‌دهد و پس از آن تحلیل‌هایی درباره‌ی شخصیت ارمیا و تغییر شخصیت او بیان می‌دارد.

- نقد من‌او، محمدرضا گودرزی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ۱۳۷۹

- نقد من او، محمدحسن حسینی، نشریه انتخاب

- نقدی بر رمان من او (یک بام بی هوا)، غلامعباس برزگر

هر سه نقد به ویژگی‌های ساختاری و ظاهری و محتوایی اثر پرداخته‌اند و این رمان را بینابین رمان نو و سنتی دانسته‌اند. از شخصیت‌های آن‌ها و نحوه‌ی شخصیت‌پردازی نویسنده کم‌تر سخن به میان آمده است.

- تزریق پسامدرن رقیق در مفاصل بیوتن، ابراهیم زاده گرجی، کیهان فرهنگی، ش ۲۶۱-

۲۶۲، تیر و مرداد ۱۳۸۷

- تولد یک نویسنده صاحب سبک، محمدرضا بایرامی، جام جم: ۲۷ خرداد ۱۳۸۷

- زاهدی مطلق، ابراهیم و آرش شفاعی (۱۳۸۷)، روایت انسان آخرالزمانی، (نقد و بررسی

رمان بیوتن)، نشریه جام جم

- گودرزی، محمدرضا (۱۳۷۹)، یک واقعه و چند روایت، کتاب ماه ادبیات و فلسفه،

مهرماه

- شخصیت‌پردازی در داستان، کامران پارسی‌نژاد، نشریه راه مردم، ش ۱۰

مصاحبه‌ی نگارنده با رضا امیرخانی نیز در این پژوهش بسیار راهگشا بود که در فصل

دوم به تفصیل آورده شده است.

برای شناخت و تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی از منابع زیادی استفاده شد: از جمله

کتاب‌های «ادبیات داستانی» و «عناصر داستان» از جمال میرصادقی که منابع مهمی در

زمینه‌ی شناخت عناصر داستانی به شمار می‌آیند. همچنین «هنر داستان‌نویسی» از ابراهیم

یونسی و «شخصیت‌پردازی در سینما» اثر مجید امامی و «منشأ شخصیت در ادبیات داستانی»

از شیرین‌دخت دقیقیان از منابع پایه بودند.

روش پژوهش

روش اصلی تحقیق شیوه‌ی اسنادی است. نخست کتاب‌های نظری درباره‌ی شخصیت و شخصیت‌پردازی مطالعه و از آن‌ها فیش تهیه گردید. سپس سه رمان منتخب (ارمیا، من‌او، بیوتن) مطالعه و فیش‌های لازم درباره‌ی شخصیت‌های داستان‌ها نوشته شد. درنهایت نگارنده با استفاده از نظریات منتقدان و نظریه‌پردازان و متن خود رمان‌ها به تحلیل داده‌ها و اطلاعات استخراج‌شده پرداخت. اکنون که به یاری حق تعالی و تلاش و راهنمایی استادان فرهیخته و ارجمندم این پژوهش به پایان برده شد، امیدوارم این گام کوچک و لرزان، در آینده چراغی فراسوی راه بی‌انتهای این مسیر پر پیچ و خم و درعین حال جذاب و دلنشین قرار گیرد.

پیشنهادات

رمان‌های رضا امیرخانی ظرفیت‌های دیگری نیز برای تحقیق و بررسی دارند که نگارنده آن‌ها را در قالب موضوعاتی ارائه داده است: ۱- بررسی و تحلیل رمان‌های امیرخانی از منظر مردم‌شناسی ۲- نقد ساختارگرایانه رمان‌های رضا امیرخانی ۳- تحلیل گفتمان در رمان‌های رضا امیرخانی ۴- نقد جامعه‌شناسانه رمان‌های رضا امیرخانی

فصل دوم:

رمان

تعریف رمان

نمی‌توان تعریفی جامع و مانع از رمان ارائه داد که همه‌ی انواع گوناگون آن را دربرگیرد؛ بنابراین به دو تعریف از فرهنگ‌های مختلف بسنده می‌کنیم:

در فرهنگ وبستر چنین آمده است: «رمان نثر روایتی خَلّاقی است با طول قابل توجه و پیچیدگی خاصی که همراه با تجربه‌ی انسانی و تخیل باشد و از طریق توالی حوادث بیان گردد و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنه‌ی مشخصی شرکت کنند.» (Webster,1971:113)

بنابر نظر آبرامز، رمان به مجموعه‌ی متنوعی از نوشته‌ها اطلاق می‌شود که ویژگی عمومی آن‌ها، وسعت میزان و طولانی بودن این آثار داستانی منشور است و به سبب همین ویژگی گستردگی، شخصیت‌ها در رمان نسبت به داستان کوتاه و ناولت از تنوع و پیچیدگی بیشتری برخوردارند. (Abrams,2008:226)

شخصیت‌های رمان را آدم‌هایی می‌سازند که اگرچه واقعی جلوه می‌کنند، حاصل تخیل خَلّاق نویسنده هستند. این شخصیت‌ها برغم مصنوع بودنشان، حقیقت‌مانند و باورکردنی‌اند. موضوع رمان هر چه باشد با ترکیب اعمال و رفتاری که روزمره با آن برخورد می‌کنیم یا خود انجام داده‌ایم، واقع‌پذیر و ملموس می‌گردد.

وقتی خواننده می‌بیند که شخصیت داستان مثل یک انسان واقعی سر میز حاضر می‌شود، غذا می‌خورد، سخن می‌گوید، در زمان معینی حرکت می‌کند، مجبور است شخصیت را هم واقعی ببیند. (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۴۵) بنابراین نویسنده، طبیعت و واقعیت را که در حکم مواد خام او هستند، با تخیل و ذوق خود درمی‌آمیزد و آن‌ها را از غربال آزمایشات می‌گذراند تا مصالح کار خود را سوا کند و در اثر خود، آن‌ها را پیروراند و در نهایت به صورت داستانی زیبا به خواننده عرضه نماید.

علل پیدایش رمان و پیشگامان آن

با توجه به تأثیر متقابل آثار هنری و اوضاع اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - سیاسی اگر به عللی اوضاع جامعه دچار تغییر و دگرگونی شود، به تبع آن شکل‌های هنری که در حکم آینه‌های بازتاب‌دهنده‌ی عصر خود هستند، نیز دچار تغییر می‌گردند تا بتوانند در خور شرایط جدید باشند.

در دوره‌ی رنسانس که عصر جدید اروپا نامیده می‌شود، تغییرات عظیمی به وجود آمد؛ ایرانی این تغییرات را شامل تحوّل در جهان‌بینی انسان‌ها، دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی، علم‌گرایی و... می‌داند. وی معتقد است انسان در دوره‌ی قدیم همه چیز را تمام‌شده می‌دید و بر این باور بود که هر چیز را همان‌طور که هست باید پذیرفت؛ اما خواننده‌ی عصر جدید هرگز چنین چیزهایی را باور نمی‌کند مگر به صورت نمادین. انسان جدید با به دست آوردن اطلاعات جدید درباره‌ی آن‌چه که تا کنون می‌دانست، باور و اعتقادش دگرگون شد. شعرا و نویسندگان پیشین نیز معتقد بودند که طبیعت اساساً کامل است و تغییر و دگرگونی در آن راه ندارد؛ به همین سبب هم‌چنان طرح‌ها و شکل‌های ادبی سنتی را تقلید و تکرار می‌کردند. (ایرانی، ۱۳۸۰: ۱۲۵-۱۳۳) از سوی دیگر از همین دوره‌ی رنسانس بود که ادبیات پوشش اشرافی و اختصاصی

خود را به دور انداخت و طبقه‌ی متوسط آدم‌ها برای اولین بار مورد توجه قرار گرفتند و شخصیت‌های آن‌ها به ادبیات راه یافت. (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۴۰۰)

رمان نیز مانند دیگر قالب‌های هنری یکباره به وجود نیامد. بعد از این که طی چند دهه جلوه‌هایی از آن در شکل داستانی رمانس پدید آمد، به صورت هنری مستقل و یک شکل داستانی خاص به منصفی ظهور رسید.

فولر و چایدلز پیشگامان رمان را این‌گونه برشمرده‌اند: از اولین رمان‌نویس‌ها نویسنده‌ی دن کیشوت، میگوئل د سروانتس بود که اثرش را در اوایل قرن هفدهم منتشر ساخت. بعد از آن دانیل دفو با نوشتن رابینسون کروزوئه که بر مبنای رویدادی واقعی است، پا به عرصه‌ی رمان-نویسی گذاشت. ساموئل ریچاردسون یکی دیگر از پیشگامان هنر رمان‌نویسی با آثاری چون پاملا و کلاریساست. هنری فیلدینگ نیز با نوشتن جوزف آندروز و تام جونز تأثیر عمیقی بر رمان‌نویسان بعد از خود گذاشت. (Fowler and Childs, 2005:157)

انواع رمان

تقسیم‌بندی‌های مختلفی از رمان وجود دارد که براساس محتوا، ساخت، هسته و عناصر رمان شکل گرفته‌اند. ادوین میور در ساخت رمان به دلیل اهمیت دو عنصر شخصیت و عمل رمان را به دو نوع کلی تقسیم می‌کند: ۱- رمان عمل که در آن حوادث و وقایع عجیب و غریب، داستان را به جلو می‌برد و درواقع عمل، محور رمان قرار می‌گیرد. ۲- رمان شخصیت که برعکس رمان عمل است، شخصیت‌ها وجودی مستقل دارند و عمل تابع آن‌ها است. اگر عملی در داستان صورت می‌گیرد، برای این است که چیز بیشتری درباره‌ی شخصیت‌ها به ما بگوید و یا شخصیت‌های جدیدی را معرفی نماید. (میور، ۱۳۷۳: ۱۰-۱۳)

تقسیم بندی دیگری نیز وجود دارد که رمان را با توجه به رمان‌های نوشته شده به انواع متعددی تقسیم نموده است. در این‌جا برای خودداری از اطاله‌ی کلام، تنها به چند مورد

می‌پردازیم و بقیه را فهرست‌وار بیان می‌کنیم. ذکر این انواع از «رمان چیست» نوشته‌ی محسن سلیمانی به تلخیص آورده می‌شود:

۱-رمان اجتماعی: همان‌طور که از نامش پیداست موضوع آن جامعه و مسائل آن است. یعنی خط سیر اصلی رمان به ماهیت جامعه، عملکرد، تأثیرات جامعه بر اشخاص، کمبودها و نواقص جامعه یا محاسن آن می‌پردازد. گاهی نیز به منظور اصلاحات و تغییر در شرایط اجتماعی، رمان‌هایی نوشته می‌شود که از نمونه‌های آن کلبه‌ی عموتم را می‌توان نام برد. البته به دلیل ارتباط متقابل فرد و اجتماع بیشتر رمان‌ها به نحوی با جامعه در ارتباطند.

۲-رمان تاریخی: دوره‌ای از تاریخ را مایه‌ی کار خود قرار می‌دهد و با استفاده از این دوره، شخصیت‌های داستانی خود را خلق می‌کند و این اشخاص را وامی‌دارد تا در میان شخصیت‌های واقعی تاریخی به فعالیت بپردازند؛ در نتیجه دوران گذشته از طریق روابط نزدیک و مستقیم این شخصیت‌ها به نمایش گذاشته می‌شود.

۳- رمان روانکاوانه یا جریان سیال ذهن: این نوع رمان بیشتر به جریانات و حوادث ذهن و روان، خاطرات و ضمیر ناخودآگاه آدمی می‌پردازد و از طریق تداعی معانی و تکنیک‌های دیگر رمان را پیش می‌برد.

۴- رمان خاطرات: به رمانی گفته می‌شود که به ترجمه‌ی احوال و خودزندگی‌نامه شباهت داشته باشد و از زاویه‌ی دید اول شخص بازگو شود. درچنین رمانی بر نگرش و درون‌گرایی شخصیت و بر روند گسترش وضعیت و موقعیت آن در زندگی، مذهب و هنر تأکید می‌شود. (الشکری، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

رمان احساساتی، رمان پلیسی، رمان روستایی و شبانی، رمان نو و... از دیگر انواع رمان هستند. (سلیمانی، ۱۳۶۹: ۲۴-۳۶)

شمیسا نیز رمان را بر حسب محتوا، ساخت و هسته یا طرح تقسیم می‌کند که براساس محتوا و طرح همانند تقسیم بندی قبلی است و از نظر هسته به چهار نوع تراژدی، کمدی، طنز و عاشقانه دسته بندی شده است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۷۶)

عناصر رمان

رمان و داستان کوتاه دارای عناصر مشترکی هستند، اما طبیعتاً رمان مجال بیشتری برای رعایت فنون داستان می‌یابد. مهم‌ترین عناصر آن عبارت است از: طرح، شخصیت، گفتگو، زمان، زاویه‌ی دید. در فصل سوم به طور مفصل به ارتباط این عناصر با شخصیت و شخصیت‌پردازی که موضوع کار این پژوهش است، پرداخته می‌شود.

رمان و شخصیت

همان‌طور که آبرامز می‌گوید شخصیت در رمان با داستان کوتاه و ناولت (novelt) متفاوت است و یکی از دلایل این تمایز، همان گستردگی و به تبع آن پیچیدگی و تنوعی است که شخصیت‌های رمان را دربرمی‌گیرد. (Abrams,2008,226)

شخصیت در رمان شخصیتی همه‌جانبه، پیچیده و چند بعدی است؛ بنابراین نویسنده سعی می‌کند افراد داستانی را در موقعیت‌های مختلف قرار دهد تا مخاطب کنش‌های آن‌ها را ببیند و خود به تحلیل بپردازد. شرایط و حوادثی که هر کدام گوشه‌ای از زوایای پنهان شخصیت را بگشاید و روشن سازد، تنها در رمان که این‌گونه گستردگی را برمی‌تابد، ظهور می‌یابد. از سوی دیگر رمان این قابلیت را دارد که سیر تکوین و تحوّل روحی و روانی شخصیت‌ها را به نمایش بگذارد.

شخصیت در رمان بیشتر به صورت سایه‌روشنی است که هم صفات خوب را داراست و هم در درون او صفاتی ناپسند دیده می‌شود؛ بدین ترتیب دیگر به دو قطب مطلق خوب و بد تقسیم نمی‌گردد و در نظر مخاطب، واقعی و نزدیک می‌شود. (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۳۰)

شخصیت‌های داستانی رمان در موقعیت زمانی و مکانی خاصی آغازگر رمان هستند. رمان چشم‌انداز وسیعی از زندگی شخصیت‌هایش را برای خواننده تصویر می‌سازد. هم‌چنین تعدد شخصیت‌ها در رمان موجب ظهور انواع شخصیت‌های اصلی، فرعی و سیاهی لشکر در داستان می‌گردد. در واقع رمان زمان کافی را برای سخن‌گفتن، عمل کردن و دیگر شیوه‌های نمایشی شخصیت فراهم می‌کند تا شخصیت هم برای مخاطب ملموس و حقیقت‌نما شود و هم به خوبی در داستان پروراندگی گردد. (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۲۸۶)

شناخت‌نامه رضا امیرخانی

رضا امیرخانی نویسنده‌ی جوانی که مدتی است به عرصه‌ی نویسندگی پا نهاده است، متولد ۱۳۵۲، مهندس مکانیک و ساکن تهران است. امیرخانی در فضای پرهیجان انقلاب اسلامی بزرگ شد. گه‌گاه با کیف کودکانه‌ای پر از اعلامیه، پوششی برای کارهای پدرش بود. در نه سالگی به دست‌بوسی امام نائل شد. در سال ۶۲ به مرکز آموزش تیزهوشان علامه حلی راه یافت. طراحی و ساخت هواپیمای یک نفره غدیر - ۲۴ و برنده شدن وی در چهارمین جشنواره‌ی اختراعات و ابتکارات خوارزمی در سال ۶۹ اتفاق افتاد. بعد از آن در رشته‌ی مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، مشغول به تحصیل شد. در سال ۷۱ هم‌زمان با کارکردن در پروژه‌ی هواپیمایی دونفره‌ی آموزشی غدیر - ۲۷، صاحب مدرک خلبانی شخصی و به عنوان جوان‌ترین خلبان کشور انتخاب شد؛ در همین زمان است که عضو هیئت‌مدیره‌ی مؤسسه‌ی خصوصی هواپویان گشت. در سال ۷۲ در دبیرستان علامه حلی که خودش سال‌ها در آن‌جا درس خوانده بود، معلم شد و در این زمان معاونت پژوهشی دبیرستان را راه‌اندازی نمود. از کارهای دیگر او ساخت و نصب یک تنور خورشیدی در بشاگرد بود که در سال ۷۹ اتفاق افتاد و در همین سال بود که به ایالات متحده سفر کرد. راه‌اندازی سایت لوح در سال ۸۱ و سردبیری‌اش تا سال ۸۴ و ریاست هیئت مدیره‌ی انجمن قلم ایران از دیگر کارهای این نویسنده است. برای امیرخانی از

همه شیرین تر سفر به همه‌ی استان‌های ایران و بیست کشور دنیا می‌باشد. آثار او عبارتند از: ارمیا (رمان)، ناصر ارمنی (داستان کوتاه)، من او (رمان)، ازبه (داستان بلند)، داستان سیستان (سفرنامه)، نشت نشا (مقاله)، بیوتن (رمان)، سرلوحه‌ها (یادداشت‌ها).

گرچه کتاب مستقلی درباب معرفی و شناخت امیرخانی وجود نداشت، نگارنده از خلال متن گفت‌وگوها، مطالبی را به صورت تلخیص بیان داشته است. متن زیر از گفتگوی بلقیس سلیمانی با رضا امیرخانی با تلخیص آورده شده است: - امیرخانی در جواب این سؤال که محور اصلی رمان‌هایش چیست، به این نکته اشاره می‌کند که با طبقه‌بندی رایج رمان موافق نیست و معتقد است رمانی که اصیل باشد، فقط به زندگی می‌پردازد و زندگی واقعی شامل همه‌ی عناوین طبقه‌بندی‌هاست. رمان غیراصیل چیزی را می‌ریزد درون زندگی؛ اما رمان اصیل اگر قرار باشد چیزی را در چیزی بریزد، زندگی را در زندگی می‌ریزد. مانند کارهای تولستوی در نمونه‌های سنتی و نوشته‌های مارکز در نمونه‌ی مدرن.

- او به این سؤال که زندگی تصویرشده در رمان‌هایش امر نامتعارفی است درحالی که زندگی واقعی پدیده‌ای ملموس و عادی است، این‌گونه پاسخ می‌دهد که: ادعا کردم که زندگی را نوشته‌ام، مدعی نشدم که یک زندگی متعارف را تصویر کرده‌ام. اگر قرار بود یک شخصیت عادی و یک زندگی عادی را نشان بدهم، دیگر جایی برای تعجب و شگفتی باقی نمی‌ماند. یک شخصیت عادی، می‌شد مثل من و شما.... زندگی‌اش حرفی برای گفتن نداشت.

- نظر این نویسنده‌ی جوان در باب داشتن دغدغه‌ی شکل، فرم و نوگویی در شکل روایت، براین است که فرم، قصه و شخصیت قابل تفکیک نیستند و معتقد به نوعی یک‌پارچگی جهانی در قصه است. این که روایت چگونه باشد یا شخصیت چه‌طوری است، باید در این جهان بنشیند. او می‌گوید: شخصیت‌ها در ذهنم جان می‌گیرند و کم‌کم به جایی می‌رسند که خودشان بازی می‌کنند.